

مجله پژوهشهای اسلامی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۷

معرفی و نقد هدیه الاحباب*

دکتر رضا فرشچیان

استاد یار دانشگاه شهید باهنر کرمان

عضو پژوهشکده فرهنگ اسلام و ایران

چکیده

محدث قمی نامورانی را که به کنیه یا لقبی مشهورند و یا با پیشوند "ابن" شناخته شده اند، در کتابی مختصر گرد آورده است و آن را "هدیه الاحباب" نامیده است. این اثر، اگر چه در بردارنده نام تمامی آن ناموران نمی باشد؛ اما با حجم کم، بسیار کارآمد می باشد. قمی در شناساندن افراد از حدیث و شعر تا حکایت و خاطره بهره جسته است و در کتاب از آنچه مدح ائمه (ع) و تقویت تشیع است، غفلت نورزیده و هم زمان به مخاطب درس اخلاق می آموزد، اما در کنار این ویژگی ها، مواردی در کتاب دیده می شود که بازنگری در آن را لازم می نماید.

واژگان کلیدی

محدث قمی، هدیه الاحباب، کنیه، لقب.

تاریخ پذیرش: ۸۷/۹/۱۷

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۵/۱۲

نشانی پست الکترونیک نویسنده: farshchian@mail.uk.ac.ir

۱- مقدمه

"هدیه الاحباب" هر چند مختصر و کم حجم است، اما بسیار کارآمد می باشد. محدث قمی در این نوشتار می کوشد سرشناسانی را معرفی کند که به لقبی معروف بوده اند و یا با نامی شناخته شده اند که با "ابو" و یا "ابن" آغاز شده است.

این کتاب گزیده ای از دو کتاب دیگر محدث قمی، "الفوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه" و "غایة المنی فی ذکر المعروفین بالألقاب و الکنی" می باشد (قمی، ۱۳۶۳، ص ۴) و اگر چه در زمره تراجم و سرگذشت نامه ها قرار دارد، ولی از ویژگی هایی ورای دیگر کتاب های تراجم برخوردار است. محدث در همان زمان که خواننده را با سرگذشت اشخاص آشنا می کند، خسته اش نکرده، روایت، شعر، حکایت یا طریقه ای می آورد و به او درس اخلاق می آموزد و در این بین از نکات فنی و تخصصی غفلت ننموده و بر دانش مخاطب می افزاید.

"هدیه الاحباب" بارها به صورت سنگی و حروفی در ایران، عراق و لبنان به چاپ رسیده است (طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۲۵، ص ۲۰۵؛ أعیان الشیعة ج ۱، ص ۲۱۷) و همراه با الفوائد الرضویه، غایة المنی، الکنی و الألقاب و تحفة الاحباب مجموعه آثار رجالی و تراجم محدث قمی را تشکیل می دهد (طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱۰، ص ۱۲۳).

نوشتاری که مقابل دیدگان شما نهاده شده است، نگاهی دارد به ویژگی هایی چند از "هدیه الاحباب" خصوصا آنچه آن را از دیگر کتاب های تراجم جدا می سازد. در این بین گاه به مواردی اشاره می شود که جای آنها در هدیه خالی است و چه خوب می بود که شیخ به آنها نیز اهتمام می داشت، اما این یکی دو نکته به هیچ روی از ارزش هدیه گرانقدر شیخ به اهل تحقیق نمی کاهد.

۲- بخش های کتاب

محدث، کتاب را "هدیه الاحباب فی ذکر المعروفین بالکنی و الألقاب و الأنساب" نامیده است و در مقدمه در چند سطری کتاب را شناسانده است، اما مقدمه نیز همانند کتاب مختصر و کوتاه است. کتاب، در بر دارنده سه باب می باشد، باب نخست در بردارنده ۱۲۱ مدخل است و اختصاص به معرفی شناخته شدگان با کنیه دارد. باب دوم با حدود ۱۵۸ مدخل، مخصوص کسانی است که آغازگر عنوان آنها، "ابن" است و واپسین باب، با حدود ۴۹۴ مدخل، افراد شناخته شده به القاب را معرفی می کند. شیخ، در ذیل معروفترین مدخل، شرح حال افرادی را که با چند عنوان شناخته شده اند، آورده است و بقیه را به آن ارجاع می دهد (قمی، ۱۳۶۳، صص، ۳۲، ۲۵، ۲۳، ۱۶) و در مواردی نه چندان اندک در یک مدخل به معرفی چند تن می پردازد (همان، صص، ۲۳۵، ۱۸۹، ۱۶۰، ۱۱۵، ۶۱، ۵۵)؛ بنا براین، تعداد مدخل ها، به معنی عدد معرفی شدگان نمی باشد.

۳- شیوه نگارش هدیه الاحباب

۳-۱- نثر هدیه الاحباب

نثر "هدیه الاحباب" یک دست نیست. نویسنده گاه به زبان عربی می نویسد و بلافاصله شرح حال بعدی را به فارسی می نگارد. برای نمونه، می توان به ترجمه شبر، شبستری و شبلی توجه نمود (ص ۱۸۰) و زمانی در یک شرح حال از هر دو زبان استفاده می کند (ص ۱۲). همین روال را می توان در اشعاری که از آنها سود می جوید، مشاهده کرد (برای نمونه، نک: صص، ۲۱۹، ۱۷۳، ۱۷۲)؛ بایستی خواننده هدیه به هر دو زبان آشنا باشد و یا از ترجمه سود جوید. اصطلاحات صرفاً تخصصی و حساب جمل نیز گاه به مشکل اضافه نموده و نثر کتاب را برای برخی نا مانوس می کند (نک: صص، ۱۲، ۹۷).

۳-۲- استناد به روایات

جای احادیث در "هدیه الاحباب" خالی نیست. محدث قمی به مناسبت از روایات معصومین (ع) استفاده می کند. برای نمونه، بنگرید به شرح حال ذوالشهادتین و ابوریحان (صص، ۱۵۶، ۲۲، و نک: ۲۰۸، ۱۳).

۳-۳- استناد به اشعار

اشعار فارسی و عربی از جایگاه ویژه ای در "هدیه الاحباب" برخوردار هستند. بیشترین استفاده از اشعار زمانی است که فرد مورد گفتگو شعری زیبا در مدح ائمه (ع) سروده است (برای نمونه، نک: صص، ۶۲، ۶۷، ۹۲، ۱۳۹، ۲۱۸، ۲۰۹) و یا در مقام موعظه و تربیت اخلاقی است (صص، ۸۶، ۶۶، ۲۶). او از شعر در معرفی افراد نیز سود می جوید (صص، ۷۷، ۸۲، ۲۲۳) و گاه مسأله ای علمی را با زبان نظم بیان می کند، بنگرید:

ألا إن الحديث أجلُّ علمٍ و أشرفه الأحاديث العوالمی
وأنفع كلِّ نوعٍ منه عندی و أحسنه الفوائد والأمالی (ص ۸۴)

۳-۴- بیان حکایت ها و طرائف

هدیه محدث ملال آور نیست؛ چرا که به مناسبت های گوناگون، حکایت های زیبا را بیان و به وسیله آنها درس اخلاق می آموزد. از این رو، فضای حاکم بر حکایت ها همانند اشعار، معنوی می باشد؛ چندی از این نمونه را می توان در شرح حال ابن سیرین، خواجه طوسی و علاءالدوله سمنانی دید (صص، ۲۲۱، ۲۱۵، ۷۵). گاه شیخ با خاطراتش، مخاطب را با خود همراه ساخته و به زمان خود می برد، برخی از این خاطرات را می توان در شرح حال سیوطی و بخاری دید (صص، ۱۱۸، ۱۷۷).

۳-۵- ضبط اسامی

شیخ تنها مواردی اندک از انبوه اسامی "هدیه الاحباب" را ضبط کرده است؛ البته آن هم به شیوه ای کاملاً تخصصی که جز اهل فن ندانند. در مورد "ابو ثمامه" می نویسد: "

بمثلثة مضمومة و تخفيف ميمين" (ص ۱۲). از این نمونه، اگر چه اندک، ولی در هدیه یافت می شود (صص، ۱۵۴، ۹۷). نیاز به ضبط اسامی به ویژه اسامی نامأنوس بیشتر احساس می گردد. کلماتی چون: الكيا الهراسی، القرماني، ابن الهباریه و... و چه خوب می بود اگر أعلام "هدیه الاحباب" و یا مدخل های آن با حرکات، علامت گذاری می شد تا خواننده از این کتاب بهره های بیشتر می برد.

۳-۶- چگونگی معرفی افراد

در این بخش به برخی از نکته های هدیه اشاره می شود و مراد تمام آنچه محدث قمی در شرح حال ها آورده نمی باشد.

۳-۶-۱- ذکر تاریخ وفات

شیخ، تقریباً در همه موارد تاریخ وفات معرفی شدگان و گاه تاریخ ولادت آنان را ذکر می کند و برای اینکه اشتباهی رخ ندهد، از حساب جُمَل نیز سود می جوید. بنگرید: "ولادت علامه در بیست و نهم شهر رمضان سنه ۶۴۸ (خمح) و وفاتش شنبه ۱۱ محرم سنه ۷۲۶ (ذکو)...". (ص ۲۲۲) و گاه در این خصوص به نظم نیز روی آورده است. برای نمونه، در بیان تاریخ ولادت و وفات وی، نقل می کند:

علامة الدهر جلیل قدره ولد رحمه (۶۴۸) و عز عمره (۷۷)

(ص ۲۲۳ و نیز نک: صص، ۲۲۴، ۱۸۹)

اما در مواردی تاریخ درگذشت معرفی شدگان را ذکر نکرده است؛ همانند ابن ام عبد (م/۳۲ق)؛ هلالی، سلیم بن قیس (م/حدود۸۵ق)، بخاری (م/۲۵۶ق)، آمدی (م/حدود۵۵۰ق) و اربلی (م/۶۹۲ق) (صص، ۱۱۱، ۱۱۵، ۱۱۸، ۲۸۰، ۵۶) و گاه تاریخی که در هدیه دیده می شود، با برخی منابع نمی خواند. برای نمونه، ابن ابی الحدید وفات سید رضی را به سال ۴۰۴ دانسته و در هدیه سال ۴۰۶ آمده است (ص ۱۶۰؛ شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۰). در این مورد زرکلی همانند مرحوم قمی تاریخ وفات سید را نقل کرده است (الاعلام، ج ۶، ص ۹۹)، ولی تاریخ ولادت و وفات کاتب چلبی را متفاوت نقل کرده اند (هدیه الاحباب ۲۴۲؛ الاعلام ۲۳۶/۷) و قطعاً این نمونه اختلاف بر گرفته از اختلاف در منابع اولیه می باشد.

۳-۶-۲- اشاره به ویژگی های شخصی / مذهبی

از نکات بارز هدیه آشنا شدن خواننده به خصوصیات شخصی و مذهب افراد است. بنگرید: "...از شهدای کربلا است... کان رحمه الله فارساً من فُرسان العرب و وجوه الشيعة و کان بصیراً بالاسلحة" (ص ۱۲). شیخ در تلاش است تا به مذهب فرد حتی به احتمال راه یابد (برای نمونه نک: ص ۱۷۸ شرح حال سیوطی) و البته گاه نیز به اشتباه رفته است؛

همانند اینکه بر احتمال تشیع ابن فارس می نویسد: "و تأیید می کند تشیع او را آنکه کاتب چلبی اسامی کتب او را در کشف الظنون ذکر نکرده" (ص ۹۱) و این در حالی است که نام بیش از ده کتاب او در کشف الظنون آمده است (ج ۱ صص، ۳۳، ۱۷۳، ۶۹۰، ۸۲۷، ۸۲۸؛ ج ۲، صص، ۱۰۶۸، ۱۲۷۹، ۱۶۰۴، ۱۶۱۵، ۱۸۰۴، ۱۸۴۸).

۳-۶-۳- بیان ویژگی های علمی

از خصوصیات اساسی و بسیار کارآمد هدیه سخن از شخصیت علمی افراد مورد گفتگو است. مرحوم قمی از بیان تخصص آنان کوتاهی نکرده است. از استادان و شاگردان آنها می گوید و تألیفات اساسی آنها را بر می شمرد. برای نمونه، بنگرید: "ابن مالک: محمد بن عبد الله الاندلسی الشافعی، النحوی، اللغوی، المقرئ، الادیب، ناظم الالفیة (ص ۹۷) و گاه به برخی از نکات مهم اشاره نشده است؛ همانند اینکه در شرح حال ابن جنی از کتاب معروف "المحتسب" که در قرائت های شاذه است، یاد نشده است (ص ۶۱) و از کتاب های "تهذیب التهذیب" و "لسان المیزان" که نام آنها با نام ابن حجر قرین است، سخنی به میان نیامده است (ص ۶۳)، و زمانی نیز مطلبی به اشتباه دیده می شود؛ مثلاً کتاب "الجمهره" را به ابن فارس نسبت داده است (ص ۹۱)، در حالی که از ابن درید است (نک: ص ۶۷).

۳-۶-۴- دلیل انتساب افراد

بسیار دیده می شود که مرحوم محدث از علت نام یا القاب معرفی شدگان سخن می گوید. زمانی دلیل آن، انتساب به فردی (ص ۱۱۳، شرح حال اشعری) یا مکانی می باشد (نک: صص، ۲۴۸، ۱۲۳، شرح حال بغوی و مالقی) و در این بین از موقعیت جغرافیایی آن مکان نیز می نویسد و گاهی حرفه و شغلی، علت انتساب است؛ بنگرید: "والموردی نسبة الی بیع ماء ورد" (ص ۲۴۹، و نیز نک: ص ۱۱۶) و پیش می آید که حادثه ای فردی را شناسانده است (برای نمونه نک: ص ۶۶، شرح حال ابن خلکان).

۴- معرفی نکردن جمعی از سرشناسان

در این کتاب مختصر، نویسنده به خوبی نامبرداران به کنیه، ابن و القاب را برشمرده و به ندرت دیده می شود که در یکی از سه باب کتاب شخص معرفی یا عنوانی معتنا به از قلم افتاده باشد؛ ولی با تمام دقتی که به عمل آورده است، سرشناسانی، هرچند اندک، یافت می شوند که از آنها در "هدیة الأحاب" یاد نشده است. برخی از آنها دارای ویژگی هایی هستند که نمی توان آنها را نادیده گرفت. اینک با اشاره به آن ویژگی ها، از ده تن که از آنها در هدیه سخن به میان نیامده است، یاد می شود:

۴-۱- ابن اِخْشید

أبو بکر احمد بن علی معروف به ابن الإخشیة (م/۳۲۶ق) از رهبران معتزله و بنیان گذار مکتب "اخشیدیه" بوده است. وی به "شیخ المعتزله" نیز نامبردار است و کتبی چند در کلام و علوم قرآنی به او منسوب است (زرکلی، ۱۹۹۲، ۱۷۱/۱؛ مکدمورت، ۱۴۱۳، ص ۳۰؛ مهدوی راد، ۱۳۷۹، ص ۴۱) شیخ مفید کتابی در رد عقیده او در امامت به رشته تحریر در آورده است (مکدمورت، ۱۴۱۳، ص ۶۴).

۴-۲- ابن تیمیه

محدث قمی، اگرچه از احمد بن عبد الحلیم معروف به ابن تیمیه یاد کرده است، ولی از جد نامبرده که او نیز ابن تیمیه خوانده می شود، نامی نبرده است. وی مجد الدین عبد السلام بن عبد الله است که به سال ۶۵۲ق از دنیا رفته است. کتاب معروف "نیل الأوطار" اثر شوکانی شرح "منتقى الأخبار" او می باشد (شوکانی، بی تا، ج ۱، ص ۱۳؛ زرکلی، ۱۹۹۲، ج ۴ ص ۶).

۴-۳- ابن عطیه

از مفسر معروف اندلسی، عبدالحق بن غالب (م/۵۴۲ق) در هدیه یادی نشده است. وی مؤلف "المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز" است و مقدمه همین کتاب است که آرثور جفری آن را با مقدمه کتاب المبانی در "مقدمتان فی علوم القرآن" به چاپ رسانیده است (زرکلی، ۱۹۹۲، ص ۲۸۲؛ مهدوی راد، ۱۳۷۹، ص ۷۴).

۴-۴- ابن رشیق

از ادیب نامور ابو علی حسن بن رشیق قیروانی (م/۴۵۶ یا ۴۶۳ق)، مؤلف کتاب "العمدة فی محاسن الشعر و آدابه" نیز در "هدیه الاحباب" یاد نشده است. حاجی خلیفه حدود ۱۰ تألیف او را نام برده است (کشف الظنون، ج ۱، صص، ۱۹۱۸/۱۸۵، ۱۴۴۴، ۱۳۲۳، ۱۱۶۹، ۱۰۲۹، ۹۷۳) و از او به "أحد الفضلاء البلغاء" یاد کرده است (همان، ج ۱، ص ۳۰۱).

۴-۵- أحسائی

از احمد بن زین الدین (م/۱۲۴۱ق)، معروف به شیخ احمد احسائی در "هدیه الاحباب" نام برده نشده است. وی صاحب تألیفاتی بسیار است که از جمله آنها شرح زیارت جامعه کبیره می باشد (نک: طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱۳ ص ۳۰۵؛ ج ۲، صص، ۲۲۲، ۱۲۴؛ ج ۴، صص، ۳۴۳، ۳۲۵؛ ج ۵، ص ۱۷۳؛ ج ۱۳ ص ۲۱۵؛ ج ۱۸ ص ۷۱؛ ج ۲۱ ص ۶۸؛ زرکلی، ۱۹۹۲، ج ۱ ص ۱۲۹).

۴-۶- دهلوی

احمد بن عبد الرحیم مشهور به شاه ولی الله دهلوی (م/۱۱۷۶۰ق) مترجم نامور قرآن کریم به فارسی با نام "فتح الرحمن بترجمه القرآن" و از بزرگان محدثان اهل سنت شبه قاره می باشد، از کتاب های معروف وی "الفوز الکبیر فی اصول التفسیر" می باشد که به فارسی نوشته و توسط سید سلمان الحسینی به عربی برگردانده شده است، کتاب های وی مورد استفاده و استناد اهل سنت و به خصوص اهالی شبه قاره می باشد^۱، نام چندی از تألیفات وی در الذریعه دیده می شود (نک: طهرانی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، صص، ۱۰۶، ۳۷۳؛ ج ۳ ص ۱۷۷).

۴-۷- شوکانی

محمد بن علی شوکانی (م/۱۲۵۰ق) فقیه و مفسر زیدی از دانشمندان برجسته یمن و نویسنده ده ها کتاب می باشد. تفسیر "فتح القدیر" و "نیل الاوطار" از معروفترین آثار وی به شمار می روند (زرکلی، ۱۹۹۲، ج ۶، ص ۲۹۸).

۴-۸- فربری

صحیح بخاری، معروفترین و معتبرترین مجموعه حدیثی اهل سنت می باشد. اهل سنت گویند نود هزار تن آن را روایت کرده اند. از میان آنان محمد بن یوسف فربری (م/۳۲۰ق) مشهور تر و معتبر تر است. بویژه که صحیح را از شخص بخاری روایت کرده است (ابن اثیر، بی تا، ج ۳، ص ۴۲۲؛ زرکلی، ۱۹۹۲، ج ۷، ص ۱۴۸؛ ابوزهو، ۱۴۰۴، ص ۳۷۹).

۴-۹- نسفی

مرحوم محدث از آن نسفی که "العقائد النسفیة" را نگاشته است، یاد کرده است ولی از ابو البرکات، عبد الله بن احمد که به نسفی نامبردار است، یاد نموده است. وی صاحب مدارک التنزیل در تفسیر بوده و به سال ۷۱۰ق از دنیا رفته است. زییاست که بدانیم نام برخی کتاب های او همانند کتب مشهوری است که پیش از وی یا پس از او نگاشته شده اند، نام هایی چون: الکافی، کشف الاسرار، الوافی، المصفی، المنار دارند (نک: زرکلی، ۱۹۹۲، ج ۴، ص ۶۷).

۴-۱۰- ماتریدی

محمد بن محمد، ابو منصور ماتریدی (م/۳۳۳ق) از ائمه اهل سنت در علم کلام می باشد و معاصر ابوالحسن اشعری است. مکتب کلامی او (ماتریدیة) چون مکتب اشاعره پیروان بسیاری دارد. "العقائد النسفیة" که تفتازانی آن را شرح کرده است، اساسی ترین کتاب کلامی مکتب ماتریدیة است (وات، ۱۳۷۰، صص، ۱۶۹، ۹۲؛ زرکلی، ۱۹۹۲، ج ۷، ص ۱۹) با آنکه مرحوم محدث در "هدیة الاحیاب" از این کتاب در ذیل نام نسفی یاد کرده است (ص ۲۷۳)، ولی از شخص ماتریدی سخنی نگفته است.

۵- نتیجه

هدیه الاحباب با حجم کم خود، کتابی پر سود برای آنانی است که با حدیث، رجال و تراجم سر و کار دارند؛ اما محدث قمی با تمام کوششی که نموده، برخی از ناموران را معرفی نکرده است و گاه به نکته های اساسی در شرح حال ها اشاره نشده است و به ندرت، شاهد اشتباهاتی در کتاب می باشیم و چه خوب می بود که این کتاب همراه با رفع کاستی ها با نثری یکدست و فهرست هایی کارآمد، مجدداً به زیور طبع آراسته گردد.

یادداشت ها

۱- نک: الفوز الكبير، مقدمه، نگاشته سلمان الحسيني / ۳؛ الأعلام، ج ۱ ص ۱۴۹.

کتابنامه

- ۱- ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن محمد، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۹۶۵م.
- ۲- ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، بیروت، المکتبه العلمیه، بی تا.
- ۳- ابوزهو، محمد، الحدیث والمحدثون، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۰۴ق.
- ۴- دهلوی، ولی الله، الفوز الكبير فی اصول التفسیر، مترجم: السید سلمان الحسینی، زاهدان، صدیقی، ۱۳۸۲ش.
- ۵- زرکلی، خیر الدین، الاعلام، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۹۲م.
- ۶- شوکانی، محمد بن علی، نیل الاوطار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- ۷- طهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ق.
- ۸- قمی، عباس، هدیه الاحباب، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳ش.
- ۹- کاتب چلبی، مصطفی بن عبد الله، کشف الظنون، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۳ق.
- ۱۰- مکدموت، مارتن، نظریات علم الکلام عند الشیخ المفید، مترجم: علی هاشم، مشهد، مجمع البحوث الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
- ۱۱- مهدوی راد، محمد علی، سیر نگارشهای علوم قرآنی، تهران، نمایشگاه قرآن کریم، ۱۳۷۹ش.
- ۱۲- وات، مونکمری، فلسفه و کلام اسلامی، مترجم ابوالفضل عزتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰ش.